

ز نیرو بود مرد را راستی
ز سستی کژی زاید و کاستی

دکتر ناصر کاتوزیان*

خطای ورزشی و مسؤولیت ورزشی

چکیده: قوانین ورزشی را به دو گروه می‌توان تقسیم کرد: (۱) گروهی که به قواعد بازیها اختصاص دارد. (۲) گروهی که مراقبتها و احتیاط ویژه‌ای را بر بازیکنان تحمیل می‌کند و هدف آنها تأمین ایمنی و پرهیز از خشونت در بازیهای ورزشی است. حقوق مسؤولیت مدنی به گروه دوم علاقه دارد و به مطالعه و تعیین ارزش آنها می‌پردازد و در همین گروه است که خطای ورزشی و اثر آن در روابط حقوقی مطرح می‌شود. اجرای قواعد عمومی مسؤولیت در حقوق ورزشی ممکن نیست، زیرا پاره‌ای از جرائم مانند ضرب و جرح، در این زمینه مباح و گاه ممدوح است. بازیکنان، در رابطه میان خود و مربیان، پایبند قرارداد ضمنی هستند که مهمترین مشخصه آن پذیرش خطرهای متعارف ورزشی است که در اجرای قوانین ویژه بازیها رخ می‌دهد. بنابراین، معیار تعیین خطای ورزشی «رفتار ورزشکاری آگاه و محتاط در شرایطی است که فعل زیانبار واقع می‌شود.» عامل اضطراب و دفاع مشروع را نیز باید در این شرایط به حساب آورد. تجاوز از این رفتار متعارف خطا و سبب مسؤولیت مدنی است. مسؤولیت خساراتی که تماشاگران مسابقه‌های ورزشی می‌بینند، اصولاً بر عهده برگزارکنندگان آن است، مگر اینکه ناشی از خطای بازیکنان یا اقدام تماشاگران باشد. مبنای این مسؤولیت بر پایه تقصیر است که باید آن را کوتاهی در تأمین امنیت تماشاگران دانست.

مقدمه

دورنمای حقوق ورزشی و اقسام قوانین آن:

در جهان کنونی، ورزش یکی از راههای مؤثر تربیتی و اخلاقی بویژه برای جوانان

است؛ وسیله‌ای که روز به روز چهره علمی بیشتری پیدا می‌کند. از نظر سیاسی نیز پیروزی در میدانهای ورزشی وسیله مفیدی برای تبلیغ و اثبات اعتبار ملی است و به همین جهت بودجه‌های کلان و نیروهای انسانی فراوان برای پیشرفت ورزش و توفیق در میدانها صرف می‌شود. این اهمیت روزافزون باعث شده است که اندیشمندان حقوقی متمایل به تأسیس رشته خاصی با عنوان «حقوق ورزشی» شوند که مانند حقوق کار یا تجارت یا کشاورزی به ابعاد گوناگون این رابطه اجتماعی بپردازد. این اقبال علمی باعث شده است که کتابها و مقاله‌های گوناگونی در این باره نوشته شود و رویه‌های قضایی به رویدادهای ورزشی و خطرهای ناشی از آن توجه خاص کنند و ضرورت‌های بازیهای ورزشی را در اعمال قواعد مسؤلیت مدنی در نظر بگیرند.

ما تا تحقق این آرمان، که «حقوق ورزشی» نیز به‌عنوان رشته ویژه‌ای از حقوق تدوین شود، راه درازی در پیش داریم: هنوز ادبیات حقوقی ما در این زمینه نوپا است و رویه قضایی، چنانکه باید، به این پدیده مفید اجتماعی و مبارزه با خطر بازیهای ورزشی نپرداخته است. از نظر اجتماعی نیز هنوز در کشور ما ورزش رنگ حرفه و شغل ندارد و باشگاهها و انجمنهای ورزشی آن اقتدار و انسجام را نیافته‌اند که آفریننده نظم نو در ورزش شوند. هنوز مردم ما به ورزش به‌عنوان فضیلت اخلاقی می‌نگرند و آن را نوعی تفریح و سرگرمی مفید می‌شناسند و این فایده را از آن انتظار دارند که وسیله تربیت و سلامت روح و جسم آدمی شود. این نگرش اخلاقی انگیزه سبک و ناچیزی برای دست زدن به تلاشی گسترده در راه تدوین و تکامل «حقوق ورزشی» نیست، ولی باید این واقعیت را در نظر داشت که حقوق حرفه‌ای و شغلی ایجاب می‌کند که مقدمه لازم برای آن فراهم آید و نهادهای ورزشی به صورت مؤسسه‌های بزرگ اقتصادی و حرفه‌ای در صحنه زندگی اجتماعی ظاهر شوند. بی‌گمان، با شوق روزافزونی که در جوانان کشور برای فراگیری رشته‌های گوناگون ورزشی دیده می‌شود و موفقیت‌های امیدوارکننده‌ای که در میدانهای بین‌المللی و جهانی به دست آورده‌اند، پیشرفت ورزش فراتر از تقاضا و به صورت مطالبه اجتماعی و ملی درآمده است و با این وصف ایجاد «حقوق ورزشی»

ولی، تا آن روز فرا نرسیده است، از دیدگاه حقوقی، قوانین ورزشی را می‌توان به دو گروه اصلی تقسیم کرد:

۱. گروهی از قواعد که ساختمان اصلی بازیهای ورزشی را احاطه و اداره می‌کند و در واقع قوانین بازی و اجرای درست هر شاخه‌ای از فعالیتهای بدنی است: مانند اینکه در بازی فوتبال از هر تیم یازده بازیکن در برابر هم صف‌آرایی می‌کنند که یکی از آنان دروازه‌بان است؛ بازیکنان، جز دروازه‌بان، حق ندارند با دست توپ را هدایت کنند؛ بازی باید در محدوده معین زمین ورزشی جریان یابد؛ حمله به دروازه‌بان ممنوع است... و مانند اینها. تخلف از این قواعد «خطای ورزشی» است و ضمانت اجرای ویژه‌ای به‌عنوان مجازات متجاوز را به همراه دارد.

۲. گروه دیگر قواعد، که بعضی مراقبتها و احتیاطهای ویژه را بر بازیکنان تحمیل می‌کند و هدف آنها تأمین ایمنی بازیکنان به هنگام مسابقه و پرهیز از خشونت و انتقامجویی و سالم‌سازی محیط ورزشی است.

این دو گروه با هم ارتباط دارد و مجموع آنها موضوع «حقوق ورزشی» قرار می‌گیرد، ولی حقوق کنونی و، بویژه مسؤولیت مدنی، به گروه دوم علاقه‌مند است و خود را در مطالعه و دسته‌بندی و تعیین ارزش حقوقی آنها ذینفع می‌بیند. بررسی گروه نخست تنها از نظر آثار حقوقی تخلف از آنها مفید است و، تا زمانی که ضرر نامتعارفی از آن برنخاسته است، موضوع حقوق «مسؤولیت مدنی» واقع نمی‌شود. در واقع، خطای ورزشی، از جهت خسارتی که به بار می‌آورد و مسؤولیتی که بر دوش مرتکب آن می‌نهد، در حقوق مطرح می‌شود.

مسؤولیت‌های ورزشی به رابطه ورزشکاران و خساراتی که هنگام مبارزه و مسابقه به بار می‌آید محدود نمی‌شود. بخش عمده دیگر آن ناشی از رابطه بازیکنان با مربیان و سازمانهای ورزشی است و به قراردادهای صریح و ضمنی که در این زمینه بسته شده است ارتباط دارد. به بیان دیگر، در این بخش بیشتر مسؤولیتها قراردادی است و، چون بسیاری از عهدشکنی‌ها در قوانین نیز ضمان‌آور است و به تکالیف عمومی مردم در برابر

چهره دیگر این‌گونه مسئولیتها در رابطه میان گروه ورزشکاران و برگزارکنندگان مسابقه‌ها از یک سو و تماشاگران و اشخاص ثالث از سوی دیگر است که گاه با مسائل اجتماعی و اقتصادی دیگر، از جمله بیمه مسئولیت و نقش بسیار مهم آن در تنظیم عادلانه این روابط، مخلوط می‌شود.

بدین ترتیب، خطای ورزشی و مسئولیت‌های ناشی از آن در سه زمینه قابل مطالعه است: (۱) در رابطه ورزشکاران به هنگام بازیهای ورزشی. (۲) در رابطه ورزشکاران و مربیان با اشخاص ثالث و بویژه تماشاگران (۳) در رابطه ورزشکاران و مربیان و مؤسسه‌های ورزشی.

الف. رابطه ورزشکاران به هنگام بازیها

خطای ورزشی:

بازیهای ورزشی، در همان حال که سبب نشاط روحی و سلامت بدنی است، جایگاه بروز انواع خطرها و ایراد ضرب و جرحهایی است که گاه به نقص عضو تا مرگ نیز منتهی می‌شود. دشواری در این است که خطرها لازمه حرکت‌های ورزشی و احترازناپذیر است. در نتیجه، حقوق در این دو راهی سرگردان و در تردید است که آیا پرهیز از خطرها را مقدم دارد و بازیهای خطرناک را منع کند یا به اشتیاق جوانان پاسخ مثبت دهد و خطرها را پذیرا شود. فشار افکار عمومی و فایده‌های سیاسی و اقتصادی و اخلاقی این‌گونه بازیها چنان قوی است که احتیاط را کاهلی جلوه می‌دهد و دوراندیشی را به ترس بیهوده تعبیر می‌کند. امروزه دولتها ناچار شده‌اند که از مجازات ایراد ضرب و جرح عمدی و خطرناک در ورزشهایی مانند بوکس و کاراته و رگبی چشم‌پوشند و تنها به تعدیل خشونت‌ها و کاستن از خطرها قناعت کنند. پس، باید پذیرفت که اجرای قواعد عمومی مسئولیت مدنی در این زمینه ممکن نیست و ناچار بایستی تقصیر ورزشی را تابع قواعد ویژه این حرفه کرد. قانون باید از اریکه قدرت به زیر آید و نقش نخستین را به عرف واگذار کند.

۱. همان‌گونه که اشاره شد، در زمینه بازیهای ورزشی، نیازهای اجتماعی و قدرت عرف، سلطه قانون و دولت را بی‌فروغ و ناتوان کرده است: چنانکه زدن مشت‌ی بر چانه حریف و لگدی جانانه را مردم‌آفرین می‌گویند اما قانون سرزنش و تنبیه می‌کند و سرانجام قانون است که گام به عقب می‌نهد و مسابقه مشت‌زنی و لگدپرانی را در نظام خود می‌پذیرد و برای آنان که قدرت عرف و قوانین خودجوش اجتماعی را برتر از قانون دولتی می‌شمرند، مثالی زنده ایجاد می‌کند. به همین جهت است که پاره‌ای از نویسندگان پذیرفته‌اند که تقصیر ورزشی مفهومی است که با قواعد عمومی مسئولیت مدنی نمی‌توان به آن دست یافت و حقوق مسئولیت ورزشی را باید رشته‌ای اصیل و مستقل شمرد و جداگانه مطالعه کرد. (۱)

خطای ورزشی را عرف و عادت مشخص می‌کند؛ منتها، این عرف به وسیله فدراسیونهای بین‌المللی تدوین و در مجموعه‌هایی مانند قوانین ضبط و گاه تعدیل و تصحیح می‌شود. در این مجموعه‌ها است که قواعد بازیها و مسابقه‌های ورزشی اعلام می‌شود و تخلف از آنها خطا است: مانند مجموعه قوانین (کُد) اسب‌دوانی، فوتبال، تنیس، رگبی، بوکس، کشتی و مانند اینها. گروهی از همین قواعد است که بعضی مراقبتها و احتیاطهای ویژه را بر بازیکنان تحمیل می‌کند و، چنانکه در مقدمه این بحث گفته شد، مربوط به مسئولیت مدنی در زمینه‌های گوناگون ورزشی است.

اعتبار و نفوذ این‌گونه مجموعه‌ها نشانه‌های بارزی بر تأیید نظر جامعه‌شناسان و مکتبهای حقوقی طرفدار قواعد اجتماعی، به عنوان پایه و مبنای الزامهای حقوقی، است؛ نمونه‌ای که گروههای اجتماعی، قطع نظر از دخالت دولت و گاه در برابر قوانین دولتی، قانون حاکم بر روابط خویش را وضع می‌کنند و الزام اجتماعی به وجود می‌آورند. اینان در حکومت این‌گونه قواعد عرفی بر قوانین دولتی تردید ندارند و با اشتیاق آن را می‌پذیرند. ولی، آن گروه از حکیمان که حقوق را به اراده دولت وابسته می‌دانند، در برابر این پرسش منطقی قرار می‌گیرند که اعتبار رسمی این مجموعه‌ها تا چه اندازه است؟ و اکنون که دولت و مجلس قانونگذاری در وضع آنها دخالت نداشته است، آیا دادگاهها

زودی به آن خواهیم پرداخت، ولی به عنوان مقدمه یادآور می‌شویم که گاه پیمانهای بین‌المللی، از راه پیوستن دولتها به آن و پذیرش عضویت در فدراسیونهای بین‌المللی، از شدت اشکال می‌کاهد و از راه غیرمستقیم قواعد عرفی را به اراده دولت منسوب می‌کند و دادرسان را بر سر دو راهی دیگری قرار می‌دهد که به هنگام تعارض این قواعد با قوانین داخلی، کدامیک را باید مقدم شمرد؟

۲. قبول خطر از سوی ورزشکاران و اقدام و رضای زیان‌دیده و شرکت او در فعل زیانبار، حتی در آنچه به جان و سلامت او صدمه می‌زند، و مهمتر از همه، عرف گذشت و مردانگی و تقدیس اخلاقی تهور در بازیهای ورزشی، از عوامل حقوقی و روانی دیگری است که حربه قانون را کند می‌کند و ویژگی مسؤولیت‌های ورزشی را نمایان می‌سازد: مگر نه این است که ضرب و جرح عمدی جرم نابخشودنی است، پس چرا آنکه به پای خود به میدان می‌رود و با دنده شکسته یا دستی وبال برگردن بیرون می‌آید، نه تنها ستمی را که بر او رفته است احساس نمی‌کند، بلکه به مردانگی و شجاعت خود هم می‌نازد و جبران ضرر را به ارضای غرور خود می‌کند؟ و شگفت آنکه شکایت او در وجدان عمومی با تحقیر روبرو می‌شود و گاه دادگاه را به واکنش منفی وادار می‌سازد تا عهدشکنی را پاداش ندهد:

بوریس استارک، استاد فقید فرانسوی، در کتاب تعهدات خود (ش ۲۴۱)، دعوایی را از رویه قضایی فرانسه نقل می‌کند که، دادگاه مردی ۲۷ ساله را که در ورزش بوکس کور شده بود، در دعوای جبران خسارت محکوم ساخت، بر این مبنا که خود خطرهای ناشی از مسابقه را پذیرفته است. استارک، پس از نقل رأی، بر براءت عامل ورود زیان اعتراضی ندارد و پیشنهاد می‌کند که برگزارکنندگان این‌گونه مسابقه‌ها، در برابر سود سرشاری که می‌برند، مسؤول خسارات ناشی از اجرای مسابقه شوند: مانند مسؤولیتی که کارفرما نسبت به زیان وارد به کارگر یا اشخاص ثالث پیدا می‌کند. (۲)

در حقوق سایر کشورها، بویژه در رویه قضایی دادگاههای انگلیس و امریکا هم، آرای که دعوای خسارت را، به استناد رضایت زیان‌دیده و شرکت اختیاری او در مسابقه

پای‌بند قرارداد ضمنی هستند که مهمترین مشخصه آن وجود شرط پذیرش خطر ناشی از بازیها و ورزشها و بویژه مسابقه‌های ورزشی است. مفاد این شرط نیز چنین تعبیر شده است که، جز در مورد خطای شدید طرف خود، همه خطرات متعارف ورزشی را می‌پذیرند و از دعوی جبران خسارت در این زمینه صرف‌نظر می‌کنند. (۴) بعضی دیگر، به منظور رفع هرگونه ابهام، گفته‌اند: در قرارداد ضمنی مربوط به پذیرش خطر، این قید وجود دارد که خطر ناشی از ورزش متعارف و در حدود قوانین ورزشی باشد. پس، آنچه در اثر تجاوز به این قواعد فنی و متعارف رخ می‌دهد، تابع قواعد عمومی مسؤولیت مدنی است. منتها، باید توجه داشت که در عرف بازیهای ورزشی خطاهای ناخواسته و قابل اغماض فراوان است. از لغزشهای جزئی که لازمه نشاط و غرور جوانی است باید گذشت و تنها به خطاهای بزرگ و بویژه عمد، یا بی‌اعتنایی به اضرار پرداخت. همچنین، اشتباه در تمیز (مانند محاسبه احتمالی سرعت اسب) را نباید با خطا اشتباه کرد. (۵) بعضی هم وضع بازیکنی را که در برخورد با رقیب خود از مرز متعارف و قوانین ورزشی تجاوز می‌کند، همانند کسی می‌دانند که در وضع اضطراری دفاع مشروع به سرعت تصمیم می‌گیرد (۶) و از خود واکنشی نامتناسب نشان می‌دهد:

معیارهایی که برای تعیین قلمرو «شرط پذیرش خطر و عدم مسؤولیت» پیشنهاد شده به نتایجی نزدیک به هم می‌رسد. در تمیز تقصیر نیز بنا بر تسامح و تساهل است نه سختگیری و گسترش مفاد شرط ضمنی وسیله فنی اجرای این هدف است. علاوه بر این، پذیرش خطر هر ورزش در رویه‌های قضایی به فایده اجتماعی آن نیز بستگی دارد و دادگاهها می‌کوشند که نوعی تعادل میان مصلحت مربوط به اباحت ورزش و ضرر ناشی از خطرهای آن برقرار باشد. (۷)

۳. چهره حرفه‌ای و شغلی حقوق ورزشی نیز انکارناپذیر و در عین حال جالب است: گروه حرفه‌ای، نه تنها می‌تواند نظام ورزشی خاصی را ممنوع یا ممدوح کند، بلکه می‌تواند عنان امور را یکسره از دولت بگیرد و خود به وضع قاعده پردازد و هیچ مرزی را نمی‌شناسد؛ این گروه جهانی ویژه خود دارد که در آن حکم می‌راند و دولتها در عمل،

به مراتب بیش از شورای امنیت و دیوان دادگستری لاهه دارد؛ جهانیان با رغبت و شتاب آن را می‌پذیرند و اجرا می‌کنند، همانند اجرای تصمیمهای هیأت مدیره برای شریکان مؤسسه یا اعضای انجمن.

با تحول تصمیم فدراسیون حرفه‌ای، خطایی از بین می‌رود و مباحی خطا می‌شود. پس، گزافه نیست اگر خطای ورزشی را در زمره خطاهای حرفه‌ای (مانند پزشکان یا قضات) آوریم، بویژه که در بیشتر موارد خطا را کسانی مرتکب می‌شوند که عنوان مربی و ورزش‌پیشه و داور را حرفه خود ساخته‌اند و در واقع عرف این گروه است که معیار تمیز خطا قرار می‌گیرد و در تحلیل نهایی، اوضاع و احوالی است که در آن فعل زیانبار صورت می‌پذیرد و به همین جهت در داوری نسبت به تحقق تقصیر اثر دارد: بدین توضیح که، اگر رفتار انسانی معقول و متعارف در شرایط خارجی وقوع حادثه معیار تمیز خطا و صواب باشد، شرایط خارجی وقوع حادثه را عرف حرفه‌ای و قواعد بازی تشکیل می‌دهد. در نتیجه، باید پذیرفت که رفتار انسان معقول و متعارف نیست که بطور نوعی معیار تمیز خطا قرار می‌گیرد؛ رفتار ورزشکار معقول و متعارف در آن رشته ورزشی است. (۸)

ماهیت و ویژگیهای خطای ورزشی:

اکنون به پرسشی که درباره اعتبار و نفوذ قواعد ورزشی در دادگاه مطرح ساختیم باز می‌گردیم و آن را چنین تحلیل می‌کنیم:

۱. آیا آنچه عرف حرفه‌ای و تصمیم فدراسیونهای ورزشی خطا اعلام می‌کند، در دادگاه نیز تقصیر و سبب ضمان است؟
۲. آیا می‌توان گفت بازیکنی که قواعد بازی را رعایت کرده است، تقصیری مرتکب نشده و ضمانی بر عهده ندارد؟

در مورد نخستین پرسش، پاسخ عمومی این است که تجاوز به قواعد بازی و رعایت نکردن احتیاطهای لازم از نظر حقوقی نیز تقصیر است، زیرا ورزشکار معقول و متعارف،

باید به تجاوز از قواعد ویژه آن بازی تعبیر کرد. (۹) با وجود این، در دعوی هاریسون^۱ دادگاه استیناف انگلیس در ۱۹۸۲ نظر داده است که عدم اجرای قواعد بازی همیشه خطای ضمان آور نیست، زیرا احتمال دارد دلیل کافی برای آن حرکت ممنوع، وجود داشته باشد. (۱۰)

از مفهوم مخالف بند ۳ ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی چنین بر می آید که نقض مقررات ورزشی تقصیر است. در این بند، در زمره اعمالی که جرم نیست می خوانیم:

«حوادث ناشی از عملیات ورزشی، مشروط بر اینکه سبب آن حوادث نقض مقررات مربوط به آن ورزش نباشد و این مقررات هم با موازین شرعی مخالفت نداشته باشد».

منطوق این حکم، اعتبار مقررات ورزشی را در اعمالی که بر طبق قواعد عمومی جرم است تأیید می کند و رعایت مقررات ورزشی را سبب براءت مرتکب می داند. ولی از مفهوم مخالف آن استفاده می شود که نقض مقررات موضوع را تابع قواعد عمومی می کند. پس، باید گفت مشتتی که به خطا در ورزش بوکس زده می شود ایراد ضرب و جرح و تقصیر است. این حکم ناظر به امور کیفری است نه مسؤولیت مدنی، ولی از ملاک آن در ضمان مالی نیز می توان استفاده کرد و اختلاط مسؤولیت های کیفری و مدنی در آن قانون، امکان استفاده پیشنهاد شده را تأیید می کند. با وجود این، همان گونه که گفته شد، قدرت عرف بسیاری از خطاها را قابل اغماض می کند و تنها تقصیرهای عمدی و سنگین را ضمان آور می بیند.

ولی تردیدها در پاسخ به پرسش دوم شدیدتر است و بسیاری از نویسندگان تأیید کرده اند که دادگاه پایبند به قواعد بازی نیست: به بیان دیگر، هر چند قوانین ورزشی همیشه به عنوان راهنما مورد استفاده قرار می گیرد، اما الزامی برای دادگاه ایجاد نمی کند و آنچه در عرف بازی مشروع است همیشه در دید حقوق مباح نیست و دادگاه می تواند بر پایه هدف اجتماعی و اخلاقی آن ورزش، حرکتی را خطا و سبب ضمان شمارد. بویژه، در مواردی که نتیجه فعل زیانبار، شدید باشد (مانند مرگ و نابینایی و فلج دائمی)

دادگاهها بطور معمول سختگیرترند و از آن معیار قابل انعطاف (یعنی رفتار ورزشکار معقول و متعارف) برای رسیدن به عدالت استفاده می‌کنند.

از بند ۳ ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی نیز می‌توان در تأیید این نظر استفاده کرد. زیرا، در این بند نیز رعایت مقررات ورزشی در صورتی از اسباب برائت است که «با موازین شرعی مخالفت نداشته باشد» و همین قید به اجمال نشان می‌دهد که اعتبار مقررات ورزشی در این زمینه مطلق نیست. وانگهی، موازین شرعی به کسی اجازه نمی‌دهد که با حيله و سوءاستفاده از اجرای قواعد ورزشی به دیگری آسیب نامتعارف برساند. از نظر حقوق عمومی نیز دولت عهده‌دار حفظ امنیت عمومی است و احتمال دارد بر این مبنا، ورزشی خطرناک را در کشور ممنوع کند و خطرهای ناشی از آن را بیش از فایده اجتماعی آن بداند. در این صورت، دادگاهها نیز موظف به اجرای قواعد ملی و حفظ نظم عمومی هستند.

این قاعده انسانی را نباید از نظر دور داشت که، هدف از ورزش تنها سرگرمی یا اشتغالی پولساز و افتخارآفرین نیست؛ هدف نهایی تأمین سلامت و تقویت روحیه جوانمردی و سختکوشی است. پس، هر حرکت که با این هدف در تعارض باشد خطا است، خواه در زمره خطاهای آن بازی آمده باشد یا تیزهوشی و رندی پاره‌ای از حرفه‌ایها آن را ابداع کند و ذهن قانونگذاران ورزشی به پیش‌بینی آن نرسد. به‌عنوان مثال، در ورزش بوکس هیچ ضربه‌ای به رقیب از پا درآمده مجاز نیست و آنچه رنگ آزار و انتقامجویی و خودنمایی بیهوده بگیرد از آیین جوانمردی (قانون بازی) خارج است، هر چند که داور حرفه‌ای نیز آن را خطا نداند و در شمار ضربه‌های خطا نیامده باشد.

از سوی دیگر، چگونه می‌توان از نوآموزی که به ورزش پرداخته است انتظار داشت که احتیاطی بیش از رعایت قواعد مرسوم کند؟ و چگونه می‌توان مسؤولیت کاری را بر او تحمیل کرد که بر طبق قواعد بازی مباح شناخته شده است؟ این انتظار با امکانات و واقعیتهای خارجی سازگار نیست. باید ضابطه‌ای را برگزید که برای او امکان درک آن

مسئولیت می‌کند، ولی این تفاوت ناشی از شرایط و اوضاع و احوال خارجی و محیط ارتکاب فعل زیانبار است؛ محیطی که اقتضای رفتار ویژه خود را دارد و مانع انتخاب معیار عمومی تقصیر در بازیهای ورزشی نیست. پس، باید پذیرفت که «رفتار ورزشکاری آگاه و محتاط در شرایطی که فعل زیانبار رخ می‌دهد» معیار تمیز خطا از صواب است. (۱۱)

ورزشکاری که در صحنه بازی بوکس است (مسابقه‌ای که بنای آن بر ورود ضربه‌های متقابل است)، با ورزش کشتی که بر پایه زورآزمایی و اجرای فنون از پای انداختن حریف استوار شده، یا ورزش تنیس و اسکی یکسان رفتار نمی‌کند و قوانین ویژه هر ورزش منش ویژه‌ای را به او تلقین می‌کند. به همین جهت، ضربه زدن به حریف در بوکس و کاراته مباح و در کشتی و تنیس و والیبال خطا است. اهمیت شرایط وقوع حادثه در تمیز تقصیر را در خطای ورزشی دیگر هم آشکارا می‌توان دید:

به عنوان مثال، در مسابقه اتومبیل رانی، سرعت به مفهوم متعارف خود در شرایط عادی رانندگی نیست و در زمره خطاها نمی‌آید؛ در مسابقه فوتبال یا مشت‌زنی نیز مفهوم ایراد ضرب با شرایط عادی تفاوت دارد. ولی، در هر حال، به درجه احتمال اضرار باید توجه داشت: به عنوان مثال، در بازی فوتبال، تکل خطرناکی که احتمال دارد ساق پای حریف را بشکند، تقصیر و سبب ضمان است، هر چند به منظور متوقف کردن او و تصاحب توپ باشد؛ انگیزه‌ای که در هر بازی فوتبال مباح و همگام با هدف و قوانین این بازی است. (۱۲)

نکته دیگری که در این زمینه باید افزود، توجه به میزان دخالت زیان دیده در ضرری است که به او وارد شده: به عنوان مثال، اگر در بازی فوتبال دروازه‌بان برای گرفتن تویی که به سوی دروازه می‌رود دست دراز کند و در نتیجه بازیکن دیگری را که در حال حمله به دروازه است مجروح سازد مسؤول نیست، زیرا کار او در آن شرایط متعارف است و بازیکنان نیز، با شرکت در مسابقه، خطرهای متعارف این بازی را پذیرفته‌اند. ولی، هرگاه همین دروازه‌بان مهاجمی را مضروب کند، به دلیل تجاوز از حد «خطرهای متعارف»

گودهارت^۱، در مقام اجرای قاعده کلی تمیز خطای ورزشی و اوصاف ویژه آن تمثیلی به کار برده است که در دعوی ویلکنز^۲ در ۱۹۷۱ از آن استفاده شده است و به نظر می‌رسد که راهنمای ارزنده‌ای برای درک شرایطی باشد که رفتار ورزشکاری متعارف را احاطه کرده است. (۱۳) به موجب معیار پیشنهاد شده گودهارت، وضع شرکت‌کننده در مسابقه ورزشی، مانند حال کسی است که در وضعی اضطراری باید به سرعت تصمیم بگیرد و از خود دفاع کند. پس، باید دید آیا تصمیمی که او در آن شرایط می‌گیرد با تصمیم متعارف رقیبی که در آن ورزش گرفته می‌شود تناسب دارد یا مخالف آن است؟ مسؤولیت مدنی، ویژه موردی است که کار زیانبار با آن معیار مخالف باشد و تجاوز به قواعد بازی و سوءاستفاده از رقابت سالم به حساب آید.

این معیار با آنچه درباره «رفتار ورزشکاری آگاه و محتاط در شرایطی که فعل زیانبار رخ می‌دهد» گفته شد تعارضی ندارد، جز اینکه تکیه بر وضع اضطراری او و لزوم تصمیم گرفتن سریع در آن حالت، بسیاری از لغزشها و اشتباهها را قابل اغماض و مباح می‌کند و از گستره تقصیرهای ورزشی می‌کاهد؛ بهایی که نظام حقوقی در برابر فایده‌های انکارناپذیر آن در تربیت و هدایت جوانان باید پردازد.

بدین ترتیب، باید چنین نتیجه گرفت که خطای ورزشی، با وجود همه اوصاف ویژه خود، در معیارهای عمومی تمیز تقصیر در مسؤولیت مدنی می‌گنجد و نباید آن را دارای ماهیتی جداگانه و استثنایی شمرد. تفاوت‌های آشکار تقصیر ورزشی را انعطاف‌پذیری داوری عرف و گونه‌گونی مظاهر زندگی اجتماعی توجیه می‌کند؛ چنانکه همین انعطاف سبب شده است که خطای قاضی و پزشک نیز با آنچه برای کارگری ساده «تقصیر»^۳ شمرده می‌شود متفاوت باشد.

ب. رابطه ورزشکاران و برگزارکنندگان مسابقه‌ها با تماشاگران

مسئولیت ورزشکاران:

بازیکنان، اگر در محل ویژه ورزش به بازی بپردازند و قواعد آن بازی را رعایت نکنند، هیچ مسئولیتی در برابر تماشاکنندگان در معرض خطر ندارند. زیرا، از آنان جز رفتار متعارف ورزشی نمی‌توان انتظار داشت. وانگهی، بطور معمول هیچ رابطه حقوقی میان بازیگران و تماشاکنندگان وجود ندارد تا بتوان تعهد ایمنی گروه تماشاگر را به عهده بازیکنان نهاد. دادگاهها اشتباه در محاسبه ضربه‌ای را که به توپهای ورزشی زده می‌شود به حق متعارف می‌بینند و تقصیر نمی‌شمرند و وضع اضطراری و هیجان ناشی از رفتار را در نظر می‌گیرند. (۱۴) ولی، اگر بازیکنی در محلی خارج از زمین بازی به تمرین یا مسابقه بپردازد و به دیگران صدمه بزند، مسئولیت مدنی دارد. (۱۵)

در صورتی که محل استقرار تماشاگران نامناسب باشد و در اثر اصابت توپ بازی یا پرتاب شدن بازیکنان یا تصادم اتومبیلها یا رم کردن اسب سواری آسیب ببینند، باید برگزارکنندگان مسابقه را مسؤول شمرد. گاه نیز خطای تماشاگر خطرآفرین است و صدمه ایجاد شده بیش از هر چیز به تقصیر او نسبت داده می‌شود: به عنوان مثال، تماشاگر هیجان زده‌ای که به داخل زمین فوتبال می‌دود و در اثر برخورد با بازیکنان یا اصابت توپ صدمه می‌بیند، نمی‌تواند اثر این اقدام خود را به دوش بازیکنان نهد. همچنین است تماشاگری که به اسب آماده برای مسابقه نزدیک می‌شود و در اثر لگد او آسیب می‌بیند.

مسئولیت برگزارکنندگان مسابقه:

ممکن است ادعا شود که تماشاگران، با حضور در میدانهای ورزشی خطرناک، بطور ضمنی آثار احتمالی این اقدام را پذیرفته‌اند. ولی، این استدلال تنها ممکن است در بعضی از صورتهای حضور رایگان تماشاگران وجهی از اعتبار را داشته باشد. هر چند در این فرض نیز می‌توان گفت، آنکه با نمایش بازی جالبی، دیگران را به محلی خطرناک

بازیکنان، دیگران را به محلی خطرناک فرا می‌خواند و رایگانی ورود را وسیله تشویق آنان به حضور در آن محل قرار می‌دهد، مسؤول کاهلی و بی‌مبالاتی خود در تمهید وسایل ایمنی آنان است. بطور خلاصه، پیش بینی وسایل احتراز از خطر، تعهد عام هر برگزارکننده‌ای است، خواه از تماشاگران پولی بگیرد یا آنان را رایگان بپذیرد، جز اینکه، در صورت اخیر، مسؤولیت برگزارکننده ناشی از قرارداد نیست و ناشی از تقصیر ایجاد خطر است.

ولی، در فرض شایع فروش بلیت برای دیدن مسابقه، بیگمان این شرط ضمنی (بنایی) وجود دارد که ایمنی آنان به هنگام تماشای بازیها حفظ خواهد شد. تعهد ایمنی را باید از لوازم عرفی پیمان اصلی شمرد، زیرا با اندک تأملی می‌توان این بنای عرفی را احراز کرد. تردید و گفتگو تنها دربارهٔ مفاد تعهد برگزارکنندهٔ مسابقه و فروشندهٔ بلیت است: دادگاههای فرانسه، تعهد ایمنی را در این زمینه تعهد به مواظبت و تمهید تضمینهای ایمنی دانسته‌اند (وسیله) و، در نتیجه، زیان دیده را موظف به اثبات تقصیر می‌سازند. ولی بعضی از نویسندگان بر این تعبیر خرده گرفته‌اند که تعهد فروشندهٔ بلیت، در برابر پولی که می‌گیرد، تأمین سلامت خریدار در برابر خطر ناشی از تماشای مسابقه است. به بیان دیگر، بنای دو طرف بر تأمین این نتیجه است نه تمهید وسائل و مواظبت برای احتراز از خطر. پس، مسؤولیت هر صدمه‌ای که تماشاگر ببیند بر عهدهٔ طرف قرارداد است، مگر اینکه ثابت کند ناشی از قوهٔ قاهره یا خطای تماشاگر و تجاوز به نظام برقرار شده بوده است. در تأیید و توجیه این نظر استدلال شده است که تماشاگر هیچ نقشی در اجرای قرارداد ندارد و تنها در پی ارضای نیاز روحی خویش است نه پذیرش خطر. بنای طرفین نیز بر پایهٔ همین خواسته شکل می‌گیرد و ناظر به تأمین این نتیجه است. (۱۶)

موضوع تابع قصد مشترک دو طرف قرارداد است، ولی به نظر می‌رسد که بطور معمول بنای دو طرف بیش از تمهید وسائل ایمنی تماشاگر نیست و، در دعوی جبران خسارت، او باید ثابت کند که برگزارکنندهٔ مسابقه در حفظ او و احتراز از خطرهای

در مقام تردید نسبت به مفاد تعهد ایمنی، قدر متیقن تعهد به فراهم کردن وسائل پرهیز از خطر است و بیش از آن نیاز به دلیل دارد؛ اختلافی که مدعی وجود «تعهد به نتیجه» اثبات آن را به عهده دارد. دادگاههای ما هنوز فرصت اتخاذ رویه قاطعی در این زمینه را نیافته‌اند و پیش‌بینی می‌شود که، بر مبنای قواعد عمومی مسؤولیت مدنی، تمایل بر اثبات تقصیر زیان‌دیده (خواننده)، برای احراز انتساب اضرار به او، پیدا کنند.

ج. رابطه ورزشکاران با مربیان و مؤسسه‌های ورزشی

مسؤولیت مربیان در برابر ورزشکاران:

در فقه آمده است که، اگر کسی فرزند صغیر خود را برای فراگرفتن شنا به دیگری بسپارد و فرزند غرق شود، معلم مسؤول است، زیرا فرزند را به او سپرده است تا در نگاهداریش احتیاط کند و غرق او دلیل بر این است که در حفاظت تقصیر کرده است. ولی در موردی که فرزند کبیر است، در صورتی مربی مسؤول است که تقصیر کرده باشد. (۱۷) درباره مسؤولیت مربی صغیر تردیدهایی هم شده است و بعضی آن را منوط به اثبات تقصیر مربی کرده‌اند (۱۸) و بعض دیگر، به دلیل متعارف بودن این اقدام و هدف مشروع تعلیم، که به مصلحت طفل هم می‌شود، مربی را ضامن نشمرده‌اند. (۱۹) جمعی هم مسؤولیت را مطلق شمرده‌اند. (۲۰) ولی آنچه طرفدار بیشتری دارد، اعتقاد به مسؤولیت مطلق معلم شنا در مورد کودک و مسؤولیت مقید به تفریط او درباره بالغ و رشید است. تحلیل و نقد هر یک از نظرها به درازا می‌کشد و با بحث ما تناسب ندارد، پس به نتایج عمومی این مطالعه می‌پردازیم:

۱. مسؤولیت مربی نسبت به صدمه‌های بدنی ورزشکار ریشه قراردادی دارد و پایه آنرا باید «نقض عهد» شمرد. زیرا، مربی در اثر قرارداد با ورزشکار یا ولی او مکلف به حفاظت شده است. به همین جهت، صاحب جواهر اعلام کرده است که، اگر در این پیمان مربی از خود سلب مسؤولیت کند، اخذ براءت، همانند آنچه در مورد پزشکان گفته شده است، ضمان را از بین می‌برد.

گفته صاحب جواهر در تعبیر نظر شهید، تلف کودک کاشف از تفریط او است، زیرا فرض این است که بدون تقصیر او کودک غرق نمی‌شده است. ولی، در مورد رشید، تعهد مربی به تمهید وسائل ایمنی و مواظبت از نوآموز و دادن تعلیم به او است. در نتیجه، اگر حادثه‌ای رخ دهد، در صورتی ضمان‌آور است که مستند به تفریط او باشد. در بیان این تفاوت گفته شده است که: (۱) انسان عاقل حاکم بر رفتار و مسؤول جان خویش است و تفریط منتهی به مرگ منسوب به خود او است نه دیگری. (۲) فرض این است که ورزشکار خود را و طلب‌تعلیمی شده است که به مرگ او منتهی شده است: یعنی، با این اقدام خطر ناشی از غرق شدن را پذیرفته است.

۳. در این بحث که تعهد به حفاظت در مورد رشید و عاقل تعهد به وسیله است، تردید کمتری دیده می‌شود و تنها گروه اندکی به ضمان مطلق مربی در هر حال نظر داده‌اند. تردید و احتمالها بیشتر دربارهٔ تعلیم به کودکان است که آیا باید تعهد را به نتیجه شمرد یا به نگاهداری و مواظبت؟ و دیدیم که مشهور تمایل به تعهد به نتیجه و مسؤولیت مربی دارد.

برای یافتن پاسخ درست، باید توجه داشت که این پرسش به مسأله احراز انتساب تلف به فعل مربی و ورزشکار باز می‌گردد: (۲۱) در موردی که غرق نوآموز به فعل یا تفریط مربی منسوب است، مانند کودکی که در اختیار مربی قرار می‌گیرد و به دستور و تعلیمهای او چشم دارد، فرض این است که مربی توان پیشگیری از وقوع حادثه را دارد و اگر اتفاقی رخ دهد ناشی از تفریط او است. در چنین موردی تعهد به حفاظت به نتیجه متوجه است. پس در صورت غرق کودک مربی ضامن است، مگر اینکه حادثه را به عامل احتراز ناپذیر و پیش‌بینی نشده نسبت دهد و آن را اثبات کند، بویژه که برحسب ظاهر در این‌گونه قراردادها خطر غرق شدن طفل پذیرفته نشده و مربی برائت از ضمان به دست نیاورده است. ولی، در فرضی که نوآموز بالغ و رشید است از خود ابتکار دارد و مطیع و کارگزار محض مربی نیست و تعلیمهای او را به انتخاب خود به کار می‌بندد، دیگر نمی‌توان ادعا کرد که غرق او در هر حال به فعل و تفریط مربی نسبت داده می‌شود، زیرا

غرق به خود او منسوب است، مگر اینکه ثابت شود بی‌مبالاتی یا نقص در مواظبت و تعلیم سبب وقوع حادثه بوده است: به بیان دیگر، تعهد مربی ناظر به مواظبت است نه سلامت. اما آنچه در این بحثها و تحلیلها بی‌پاسخ مانده است و فقیهان نیز به آن نپرداخته‌اند، تمیز علت نوعی حکم است: آیا دلیل واقعی تفاوت حکم در صغیر و کبیر، پرورش قوای روحی و فکری نوآموز است، یا دلیل تفاوت در توان مربی به حفاظت و پرهیز از خطر از یک سو و اطاعت و امرپذیری و جهل به خطر از سوی دیگر است؟ به نظر می‌رسد که باید احتمال اخیر را تقویت کرد، زیرا در مسؤولیت مدنی و تمیز سبب زیان، اراده و اهلیت زیان‌دیده سهمی ندارد و کمکی به تعبیر واقعی قصد مشترک در قرارداد تعلیم هم نمی‌کند. آنچه مهم است میزان دخالت هر یک از دو عامل در وقوع حادثه است. در نتیجه، باید پذیرفت، در هر مورد که زیان‌دیده نقش انفعالی و اطاعت دارد، مربی همانند کارفرما مسؤول خسارت به‌بار آمده است، خواه زیان به ورزشکار رسد یا در اثر فعل او برای شخص ثالث ایجاد شود. در این فرض، باید تعهد ایمنی را ناظر به نتیجه شمرد و زیان‌دیده را از اثبات تقصیر معاف کرد: به‌عنوان مثال، نوآموزی که برای فراگیری رانندگی با مؤسسه‌ای قرارداد می‌بندد، در برابر مربی خود همانند کارگر منفعل و امرپذیر است، هرچند که رشید و عاقل هم باشد. پس، مربی یا مؤسسه را باید مسؤول خسارات ناشی از رانندگی او شمرد و این وضع تا زمانی ادامه دارد که دیگر مربی فرمانده در رانندگی نیست و تنها ناظر و راهنما است.

مسؤولیت مربی در برابر اشخاص ثالث:

معیاری که در مورد مسؤولیت مربیان در برابر ورزشکاران گفته شد، با تغییر مناسب در توصیف مبنا، درباره‌ی مسؤولیت آنان در برابر ثالثی که از فعل ورزشکاران صدمه می‌بیند نیز قابل اعمال است: تفاوت، ناشی از این تغییر است که مسؤولیت در هر حال قهری است نه قراردادی.

(۱) در فرضی که ورزشکار در شرایطی است که دستوره‌های مربی را اجرا می‌کند و

ق.م. و ماده ۱۲ ق.م.م.)، مگر اینکه ثابت کند تمام احتیاطهای ضروری را رعایت کرده یا علت خارجی و احترازناپذیر آن را به بار آورده است: به عنوان مثال، اگر نوآموز رانندگی در مسابقه‌های اتومبیلرانی خسارتی به دیگران زند، باید مربی را مسؤول شمرد. همچنین، اگر کودکی که در حال آموختن شنا است طفلی را که در حال شنا است به زیر آب کشد و صدمه بزند، مربی را باید مسؤول شمرد، هرچند که در بعضی شرایط کودک هم ضامن باشد.

۲) فرضی که ورزشکار در سطحی است که تنها با نظارت و هدایت عمومی مربی تمرین می‌کند، مربی در صورتی مسؤول است که غفلت و تقصیر او ثابت شود. در این فرض نیز، هیچ رابطه قراردادی مربی و اشخاص خارجی را به هم مربوط نمی‌کند و در نتیجه، مربی در صورتی مسؤولیت دارد که اضرار مستند به تقصیر او باشد. منتها، در فرض نخست، اماره تقصیر ناشی از اوضاع و احوال، زیان‌دیده را از اثبات آن معاف می‌کند و بار اثبات بی‌تقصیری (رعایت احتیاطهای لازم به عنوان چهره مثبت آن) به دوش مربی قرار می‌گیرد. ولی، در این فرض، که اماره‌ای درباره تقصیر مربی وجود ندارد، قواعد عمومی اجرا می‌شود و اثبات تقصیر بر عهده زیان‌دیده است.

بدین ترتیب، مسؤولیت مربی در هر حال مبتنی بر تقصیر است، جز اینکه در مرحله اثبات، گاه به دلیل شرایط و اوضاع و احوال و حدود اختیار و انتخاب ورزشکار، اثبات تقصیر به اماره صورت می‌پذیرد و نیاز به دلیل اضافی ندارد.

ماده ۷ قانون مسؤولیت مدنی هم که تقصیر مواظبت کودک و دیوانه را شرط مسؤولیت او اعلام می‌کند با تحلیلی که پیشنهاد شد تعارض ندارد. در این ماده می‌خوانیم:

«کسی که نگاهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر، قانوناً یا بر حسب

قرارداد، به عهده او می‌باشد، در صورت تقصیر در نگاهداری یا مواظبت،

مسؤول جبران زیان وارده از ناحیه مجنون یا صغیر می‌باشد...».

این حکم ناظر به مواظبت‌کننده از محجور است و این مفهوم مخالف را ندارد که مربی

مسئولیت حرفه‌ای مربی را که به نوآموزی، همچون کودکان آن حرفه، و فنون ورزشی را می‌آموزد، نفی نمی‌کند. حتی از راه قیاس یا وحدت ملاک می‌توان حکم ماده ۷ را مؤید مسئولیت مربی شمرد.

رابطه ورزشکار و مؤسسه‌های ورزشی:

رابطه ورزشکار با باشگاهها و ترتیب‌دهندگان مسابقه‌های ورزشی مبتنی بر قراردادی است که در این زمینه بسته می‌شود. ویژگی این قرارداد در پذیرش خطرهای ناشی از آن ورزش و مسابقه‌ها است: به‌عنوان مثال، راننده‌ای که در مسابقه اتومبیلرانی یا بوکس شرکت می‌کند و در این زمینه با مؤسسه ورزشی، اعم از باشگاه و انجمن و واسطه‌های ورزشی، پیمان می‌بندد، از خطرهای این اقدام آگاه است و بطور ضمنی آن را می‌پذیرد. پس نمی‌تواند تضمین سلامت خود را بر عهده مربی یا باشگاه نهد. بیگمان در این، در این قراردادها شرط «تعهد ایمنی» مفروض است، ولی مفاد این شرط را باید محدود به تمهید وسایل ایمنی و کوشش در پرهیز از خطر کرد و تضمین نتیجه، بویژه در خطرهایی که لازمه شرکت در مسابقه و مبارزه است، در قلمرو این شرط نمی‌آید. به بیان دیگر، مفاد تعهد ایمنی ناظر به تمهید وسیله است نه کسب نتیجه مطلوب. پس، در دعوی جبران خسارت ورزشکار، باید تقصیر خواننده و تفریط او در پرهیز از خطر و تمهید وسایل ایمنی اثبات شود.

با وجود این، قانون یا رویه قضایی باید این‌گونه مؤسسه‌ها را، در برابر سودهای سرشاری که از این رهگذر می‌برند، موظف به بیمه ورزشکاران در خطر کند. بیمه کردن ورزشکار یکی از وسایل ایمنی است که می‌تواند او را در صورت حادثه از خطر مرگ و فلج شدن و سایر ناتوانیهای جسمی و روحی نجات دهد، زیرا به ورزشکار امکان دسترسی به پزشکان متخصص و بیمارستانهای تخصصی گران قیمت را می‌دهد؛ وسایلی که در حالت عادی ممکن است دور از دسترس ورزشکار باشد و او را از مراقبتهای پزشکی محروم سازد. اگر این پیشنهاد به‌عنوان لازمه عرفی تعهد پذیرفته

یادداشتها

۱. کار بونیه، تعهدات، ج ۴، ش. ۲۳۴ (چاپ تجدیدنظر شده ۱۹۹۶)، ص ۳۴۹.
۲. استارک، تعهدات، ش ۲۴۱. در این دعوی، دادگاه مسؤلیت ناشی از بیمه نکردن ورزشکار را، بدین‌بانه که اجباری نیست، پذیرفت و ضرری ناروا را جبران نشده باقی نهاد، در حالی که جای آن را داشت که بیمه ورزشکار را از لوازم عرفی قرارداد با او بشمارد.
- در مورد اثر قبول خطر در ورزش، همچنین، رک. مازو و شاباس، دروس حقوق مدنی، ج ۲، (تعهدات)، ش ۵۴۶؛ فیلیپ لوتورنو، مسؤلیت مدنی، ش ۶۷۷ به بعد.
۳. Vendrell V. School dist در ۱۹۶۲ دیوان عالی ایالت اُرگان امریکا، نقل از: والتر چاپلیون جونیور، مبانی حقوق ورزشها، ترجمه حسین آقایی، ص ۱۹.
۴. فیلیپ لوتورنو، مسؤلیت مدنی، ش ۶۷۷.
۵. Wooldridge V. Sumner: نقل از: دایس و مارکسینس، حقوق حاکم بر خطا (Tort Law)، ص ۹۹.
۶. کلرک و لیندسل Clerk and Lindsel، حقوق حاکم بر خطاها، ش ۱۲۰-۷، ص ۳۳۶.
۷. در این باره، رک. مالوری و انس Ph. Malaurie et L. Aynes، تعهدات، ش ۳۵، ص ۳۵، پاورقی ۱۲.
۸. در این باره، رک. مالوری و انس، تعهدات، ش ۵۳، ص ۳۵، پاورقی ۱۲ - مازو و تنک، رساله مسؤلیت مدنی، ش ۵۳۲-۲.
۹. رک. ناصر کاتوزیان، الزامهای خارج از قرارداد (ضمان قهری)، ج ۱، مسؤلیت مدنی، ش ۱۳۹ و ۱۷۷ - و در حقوق فرانسه: ساواتیه، مسؤلیت مدنی، ج ۲، ش ۸۸۵ - مازو و تنک، رساله مسؤلیت مدنی، ج ۱، ش ۵۲۳ - ۲ - مارتی و رینو، ج ۲، ش ۴۱۶.
۱۰. نقل از: دایس و مارکسینس، Tort Law، ص ۹۹.
۱۱. ناصر کاتوزیان، الزامهای خارج از قرارداد (ضمان قهری)، ج ۱، مسؤلیت مدنی، ش ۱۷۷، ص ۳۳۸ - و در تأیید آن، رک. مازو و تنک، همان کتاب - مالوری و انس، تعهدات، ش ۵۳، ص ۳۵.
۱۲. در قوانین فوتبال کنونی (مقررات جدید فیفا) نیز این اقدام خطا است و مقصود از تکل خطرناک اقدامی است که ظن منتهی شدن آن به ورود ضرر و صدمه زدن به حریف قوی باشد (مانند تکل از پشت حریف و قیچی کردن پاهای او).
۱۳. نقل از: کلرک و لیندسل، همان کتاب، ش ۱۲۰-۷، ص ۳۳۶.
۱۴. رک. کلرک و لیندسل، همان کتاب.

۱۷. رک. ابن قدامه، المغنی، ج ۸، ص ۴۳۱، ش ۶۸۹۹ - شیخ محمدحسن نجفی، جواهرالکلام، ج ۴۲، ص ۱۰۶ - شهید ثانی، شرح لمعه، ج ۱۰، ص ۱۴۹ - سیدمحمدجواد حسینی عاملی، مفتاح الکرامة، ج ۱۰، ص ۲۹۰-۲۸۹ - مقدس اردبیلی، مجمع الفائدة والبرهان، شرح ارشاد علامه، ج ۱۴، ص ۲۵۸.
۱۸. محقق، شرایع، با تعلیقات سید صادق شیرازی، ص ۱۰۲۵ - شهید ثانی، مسالک، ج ۲، کتاب دیات - فاضل هندی، کشف اللثام، ج ۲، کتاب دیات، ص ۴۸۵.
۱۹. قاضی، نقل از ابن قدامه، همان کتاب.
۲۰. صاحب جواهر، همان کتاب - شهید اول: نقل از مفتاح الکرامة، همان کتاب.
۲۱. حاج سیدابوالقاسم خویی، مبانی تکملة المنهاج، ص ۲۳۲.